جام جم

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران
صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسوول: بیژن مقدم
نشانی: خیابان میرداماد، جنب مسجدالغدیر، پلاک ۱۴۵ قدیم ـ ۱۲۹ جدید
تلفن: ۲۲۲۲۲۵۱۱

دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
سازمان شهرستان‌ها: ۲-۸۸۹۹۶۴۴۱
امور مشترکین: ۸۸۹۹۶۷۲۸
سازمان آگهی‌ها: ۲۲-۸۸۴۴۸۴۱۳
سازمان نیازمندی‌ها: ۳۴-۸۸۴۴۸۰۲۹

شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
جام‌جم آنلاین: www.jamejamonline.ir
پست الکترونیکی: info@jamejamonline.ir
چاپ: به صورت همزمان در تهران
و شهرستان‌های اصفهان، اهواز، تبریز، ساری و همدان (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

اوقات شرعی: اذان ظهر **۱۲/۱۵** غروب آفتاب **۱۷/۱۹** اذان مغرب **۱۷/۳۸** نیمه‌شب شرعی **۲۳/۳۱** اذان صبح (فردا) **۵/۴۴** طلوع خورشید (فردا) **۷/۱۲**

پنجشنبه ۳۰ دی ۱۳۸۹

JAM-E-JAM VOL.11,NO.3048.THU.JAN.20.2011

مکث

زیبا اسلامی
گروه اقتصاد
« Eslami@jamejamonline.ir

هدفمندی یارانه‌ها و بودجه سال ۱۳۹۰

بررسی پیش‌نویس لایحه بودجه سال ۱۳۹۰ از ۲ شب پیش در دولت آغاز شده است که می‌توان آن را متمایز از سایر بودجه‌های سنواتی دانست، زیرا قانون هدفمندی یارانه‌ها در بودجه سال آینده تاثیر زیادی خواهد داشت.

اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و تداوم آن در سال ۹۰ به عنوان سال دوم اجرای این قانون، راهکاری برای کسب درآمد از محل صرفه‌جویی و باز توزیع یارانه‌ها برای دولت محسوب می‌شود که تاکنون نه میزان آن مشخص شده و نه به این سوال پاسخ داده شده که آیا دولت قیمت حامل‌های انرژی را در سال دوم اجرای قانون تغییر خواهد داد یا نه. با این حال این منبع می‌تواند با تصمیماتی که دولت درباره قانون هدفمندی یارانه‌ها در بودجه سال آینده می‌گیرد، قابل اتکا باشد. یکی دیگر از منابع درآمدی دولت که در لایحه بودجه ۹۰ مورد نظر دولت است، افزایش درآمدهای مالیاتی است که باید دید چند درصد از این منابع پیش‌بینی شده ـ که ظاهرا قرار است سیاست‌های سختگیرانه‌ای در این باره اتخاذ شود ـ می‌تواند محقق شود.

نکته اساسی در تدوین بودجه سال آینده در نظر گرفتن قیمت پایه فروش هر بشکه نفت است که این موضوع در بودجه سال جاری ۶۵ دلار در نظر گرفته شده بود و از آنجا که متوسط قیمت فروش هر بشکه نفت ایران امسال ۷۴ تا ۷۶ دلار است، دولت باید رقم قابل اطمینان‌تری را در این مورد در نظر بگیرد.

همچنین کاهش اتکا و وابستگی به درآمدهای نفتی همواره مورد تاکید کارشناسان اقتصادی بوده و البته دولت نیز بر این الزام واقف است اما در بودجه سال‌های قبل این وابستگی کاهش نیافته و گاهی شدیدتر نیز شده است. از این رو از آنجا که محور استراتژی تدوین بودجه شتاب رشد اقتصادی در نظر گرفته شده است، ضرورت دارد دولت بر رعایت این الزام پافشاری کند.

از سوی دیگر، تکلیف احکام برنامه پنجم ـ که ۲۸ بند از ماده ۱۹۹ قانون برنامه پنجم توسعه ماهیت بودجه‌ای دارد ـ تدوین بودجه سال ۹۰ را با سهولت بیشتری امکان‌پذیر می‌سازد. با توجه به بهترین استراتژی تعریف‌شده برای بودجه سال آینده یعنی شتاب رشد اقتصادی، تسریع در این امر را نمی‌توان فقط از منابع عمومی انتظار داشت مگر آن‌که دولت لایحه‌ای را برای استحکام در منابع و مصارف و با در نظر گرفتن ده‌ها طرح نیمه‌تمام عمرانی در کشور ارائه کند.

رنگ آسمان

بارش در جنوب شرق

روز گذشته بارش‌هایی را در نیمه جنوبی کشور شاهد بودیم. از امروز و از سمت جنوب غرب، بارش‌ها تمام می‌شود و بیشترین ناپایداری‌ها را در جنوب شرق و شرق انتظار داریم. همچنین طی امروز و فردا، خلیج همیشه فارس مواج خواهد بود. در سواحل دریای خزر هم به دلیل وجود رطوبت کافی و گذر امواج کمابیش ناپایدار بارش‌های پراکنده دور از انتظار نیست. از امروز تا اواسط هفته در سایر مناطق میهن جوی نسبتا پایدار حاکم می‌شود؛ اما از اواسط هفته سامانه بارش‌زای دیگری به کشور نفوذ می‌کند.

سکه و ارز

سکه طرح قدیم	٤/١٠٠/٠٠٠
سکه طرح جدید	٣/٦٠٠/٠٠٠
نیم سکه	١/٧٩٥/٠٠٠
ربع سکه	٩٠٥/٠٠٠
هر گرم طلای ۱۸ عیار	٣٦٤/٥١٠
دلار	١٠/٩١٠
یورو	١٤/٤٥٠

از دور از نزدیک

لذت بردن ژاپنی‌ها از دستشویی

بنابه اعلام برخی از رسانه‌های ژاپنی، مردم این کشور از بودن در توالت‌ها و گذراندن وقت در سرویس‌های بهداشتی بیش از هر مکان دیگری لذت می‌برند!

علت اصلی لذت بردن سکنه این کشور از توالت‌ها و سرویس‌های بهداشتی، وجود انواع بازی‌ها، لوازم آرایشی و بهداشتی، عطرها و وسایل راحتی است.

در گزارش یکی از روزنامه‌های ژاپن آمده است که یکی از شرکت‌های سازنده بازی‌های کامپیوتری با ساخت و طراحی ۴ بازی جدید و نصب آنها در داخل سرویس‌های بهداشتی و توالت‌ها به تجهیزات داخل این سرویس‌ها افزوده است، به طوری که اکثر سکنه این کشور اوقات خود را در بودن در این مکان می‌گذرانند. همچنین دولت ژاپن با ابداع این روش تاکنون گردشگران زیادی را جذب کرده است و هر ساله هزاران توریست برای لذت بردن از سرویس‌های بهداشتی با فناوری بالا و پیشرفته به این کشور مسافرت می‌کنند. در گزارش خبرگزاری فرانسه هم آمده است که هم‌اکنون در اکثر توالت‌ها و سرویس‌های بهداشتی این کشور تلویزیون و رادیو وجود دارد. / *ایسنا*

کوسه‌ها کور رنگ‌اند

محققان بتازگی متوجه شدند که چشم کوسه‌ها رنگ‌ها را نمی‌تواند تشخیص دهد و دنیای این موجودات درنده، سیاه‌وسفید است. به این ترتیب دانشمندان با انجام آزمایش‌های مختلف دریافتند که پوشیدن لباس‌های غواصی با رنگ‌های روشن، به علت این که تقابل رنگی کمی با رنگ آبی محیط زیر آب دارد، باعث می‌شود تا غواصان و محققان از دید کوسه‌ها پنهان بمانند.

تحقیقات اخیر توسط موسسه بین‌المللی رسیدگی به پرونده‌های حملات کوسه‌ها (ISAF) انجام شده و با بررسی همه موارد به این نتیجه رسیدند که همه قربانیان حمله کوسه‌ها، لباس شنای سیاه رنگ یا تیره به تن داشته‌اند. به عقیده دانشمندان، تکامل موفق در کوسه‌ها بر پایه سامانه حسی فوق العاده قوی در این موجودات است. /*برنا*

آرنولد و استالونه همبازی می‌شوند

انتخابات میاندوره‌ای سنای آمریکا یک بازنده مشهور داشت؛ بازنده‌ای که البته بسیاری از هواداران او را خوشحال کرد! «آرنولد شوارتزنگر» پس از کناره گیری از فرمانداری کالیفرنیا حالا قصد دارد به دنیای سینما بازگردد.

بنا بر اعلام دیجیتال اسپای، فیلمی که آرنولد را به حضور پر رنگ‌تری در سینما وسوسه کرده است، پروژه سینمایی «بی‌مصرف‌های ۲» است.

در این فیلم قرار است او روبه روی دیگر ستاره فیلم‌های اکشن دهه ۷۰ میلادی یعنی «سیلوستر استالونه» نقش آفرینی کند. از جمله آثار مطرح شوارتزنگر می‌توان به «ترمیناتور ۳»، «ششمین روز»، «بتمن و رابین» و «دروغ‌های حقیقی» اشاره کرد. /*ایسنا*

یزد، اردبیل، گلستان، قم، شرق استان تهران
و شهرستان‌های سبزوار و ازنا(لرستان)

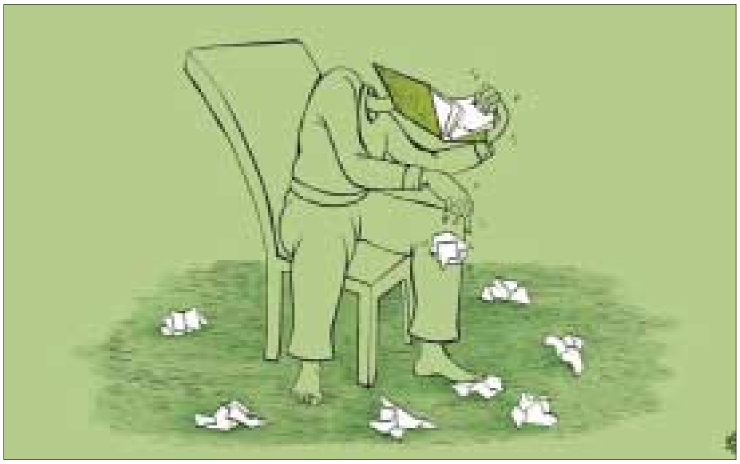

طرح: مهری یاوری / جام جم

دیدنی روز

«هیچِ» فرهنگی

حسین شقاقی / گروه اندیشه

آیا سینما باید واقعیت‌ها را نشان دهد یا مجعولات را؟ شاید این پرسش، پرسشی سهل بنماید، ولی بسیاری از آشکارترین واقعیت‌ها مکررا از چشم دوربین سینماگران نادیده گرفته می‌شود. اما فیلم «هیچ» که به‌تازگی وارد شبکه نمایش خانگی شده، یکی از این واقعیت‌ها را به خوبی به تصویر کشیده است: طبقه حاشیه‌نشین شهر.

شاید پس از دیدن فیلم، به نظر آید اساس داستان فیلم بر محور امری غیرواقعی و ناممکن استوار است: یعنی شخصیتی که مبتلا به پرخوری است و در عین حال بدن او قابلیت تولید کلیه اضافه را دارد و پرخوری او به این کار کمک می‌کند. اما اگر از این موضوع بگذریم، اتفاقا داستان فیلم داستانی واقعگراست و طبقه اجتماعی‌ای را به تصویر می‌کشد که در عین کثرت و فراوانی، معمولا نادیده گرفته می‌شوند؛ طبقه‌ای که نه سنتی‌اند و نه مدرن. طبقه‌ای که روستایی نیستند و در شهر زندگی می‌کنند ولی سهم چندانی از مدنیت ندارند: نه در دانشگاه جایی دارند و نه از منورالفکری چیزی می‌دانند. اهل کتابخوانی نیستند. هنر را به معنای سینما می‌دانند و سینما را در فیلم‌های بروس لی و ملودرام‌های هندی می‌فهمند. از ورزش هم فقط فوتبال را می‌شناسند و از فوتبال هم صرفا بوق آن به آنها رسیده است.

در ابتدای فیلم و با ورود نادر ـ مهدی هاشمی ـ به خانه عفت، معلوم می‌شود خانواده عفت دچار فقر است و اعضای خانواده امید دارند که نادر مشکلات آنها را مرتفع کند. اما پس از این که به لطف کلیه‌سازی نادر، پول بادآورده‌ای به خانواده تزریق می‌شود، مشکلات اصلی سربر می‌آورد. پسر بزرگ خانواده به فکر ازدواج مجدد می‌افتد، دختر کوچک خانواده از نامزدش جدا و جذب خیابان می‌شود و در نهایت در حالی که خانواده منتظر تولد یک نوزاد و آغاز زندگی‌ای تازه است، با مرگی تلخ مواجه می‌شود. «هیچ» به زیبایی مشکل اصلی این خانواده و به طور کلی طبقه‌ای را که از آن یاد کردیم نمایش می‌دهد: فقر فرهنگی. طبقه اجتماعی مبتلا به این معضل، شاید بداند چگونه با نداری به گونه‌ای سر کند ـ همانطور که عفت در یکی از دیالوگ‌ها می‌گوید: «موقعی که هیچ چیز نداشتیم انگار همه چیز داشتیم» ـ ولی نمی‌داند با دارایی‌اش چه کند، از فرهنگ و ارزش بی‌اطلاع است، به بهانه غیرت، به زنانشان اجازه ورزش و حضور در زمین ورزش را نمی‌دهند، ولی مادرشان را برای دلاکی روانه خانه بیگانگان می‌کنند. به خاطر مقرری ماهی ۴۰۰ هزار تومان نادر، با ازدواج مادرشان با او موافقت می‌کنند و وقتی این مقرری زیر سوال می‌رود، چنان با عربده و رگ گردنِ بیرون زده به سمت مادر حمله می‌کنند که گویی درد ناموس دارند.

«هیچ»، یک فیلم اجتماعی و واقعگراست و طبقه‌ای را زیر ذره‌بین برده که در جوامع شهری ما در عین حاشیه‌ای بودن، به علت کثرت جمعیتشان، تاثیرگذارند.

خواندنی روز

رمان تازه نویسنده قدیمی

میثم اسماعیلی / گروه فرهنگ و هنر

نام نسرین ثامنی برای اهالی ادبیات نام تازه‌ای نیست، هر چند به گفته خودش جریان ادبیات در ۳ دهه اخیر هیچ‌گاه آن‌طور که باید او را جدی نگرفت، اما نقش او در این سه‌دهه در ادبیات ایران بر هیچ کس پوشیده نیست. خلق بیش از ۷۰ اثر داستانی در این مدت شاید بهترین مثال برای این اتفاق باشد؛ اما همواره آثار او با برچسب «ادبیات عامه پسند» به حاشیه رانده شد، فارغ از این که این گونه از ادبیات جزئی از جریان ادبی ایران بوده و هست و اتفاقا هواداران بیشتری داشته است.

در ادبیات کشورهای دیگر هم ادبیات عامه پسند بسیار پر طرفدار است و جایگاهی مخصوص به خود دارد. هر چند کتاب‌های عامه پسند بیشتر نقش سرگرمی را بازی می‌کنند اما در همین ژانر، نویسندگانی متعدد با ادبیاتی منسجم، داستان‌های پر کشش، جذاب و غیر تکراری را خلق کرده‌اند.

یکی از آنها نسرین ثامنی است که بتازگی کتاب «شب آفتابی»اش توسط نشر آموت منتشر شده و در همین فاصله کم انتشار، از آن استقبال خوبی شده است.

این رمان ماجرای مرد نقاشی است که یک آتلیه نقاشی دارد و هنرجویانی نزد او نقاشی یاد می‌گیرند و دختری که از او ۲۰ سال جوان‌تر است، عاشق استادش می‌شود و مرد نقاش که به همسر و زندگی‌اش وفادار است، دست رد به سینه معشوقه جوانش می‌زند و ماجراهای دیگری اتفاق می‌افتد.

نسرین ثامنی در همه این سال‌ها پرکارترین نویسنده زن پس از انقلاب بوده است. جوانان دیروز که با خواندن آثاری چون «گلی در شورزار» نوشته این نویسنده، رمان خوان شده‌اند، حالا در میانسالی به سر می‌برند. نسرین ثامنی آرزو دارد نسرین ثامنی باقی بماند و هرگز مانند دیگری نباشد. او راوی رنج‌های نهفته انسان‌ها بوده است.

«شب آفتابی» به گمان این نویسنده، متفاوت‌ترین رمان اوست.

نکته روز

استاد دانش، گاهی

احسان رحیم‌زاده / گروه رادیو و تلویزیون

استادی داشتیم که به دانشجویانش جزوه می‌گفت. کلمه دانشجویان را به این خاطر آوردم که یادآوری کنم استاد مورد اشاره در مقطع کارشناسی ارشد روزنامه‌نگاری تدریس می‌کرد نه مقطع راهنمایی و دبیرستان.

دانشجویان اسم کلاس استاد محترم را «کلاس دیکته» نام گذاشته بودند.

استاد بر صندلی‌اش تکیه می‌زد و کتابی کادوپیچی شده را از رو، کلمه به کلمه می‌خواند. شیوه خواندنش دقیقا خاطرات کلاس‌های دیکته دبستان را برایمان زنده می‌کرد. برخی کلمات را می‌کشید و برخی جاها توقف می‌کرد تا دانشجویانی که از نوشتن عقب افتاده‌اند، خودشان را برسانند.

چند بار بچه‌ها اصرار کردند که استاد نام کتابش را بگوید تا آنها بتوانند با کپی گرفتن از صفحات مورد نظر از شر دیکته نوشتن‌های مدام هفتگی خلاص شوند؛ اما استاد هر بار به شیوه‌ای توجیه کرد و نگذاشت راز نهانش آشکار شود. احتمالا استاد معنای این شعر حافظ را خوب درک کرده بود که مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز. اگر راز استاد برملا می‌شد دیگر کسی در کلاس‌هایش شرکت نمی‌کرد و جلسات علمی استاد از رونق می‌افتاد.

استاد دیگری داشتیم که سر کلاس، زمین و زمان را به‌هم می‌بافت و درباره همه چیز حرف می‌زد جز آن چیزی که باید درباره‌اش صحبت کند.

دانشجویان تقریبا تمام خاطرات و اطلاعات شخصی استاد را از حفظ بودند. این که به قول خودش «بیزنس من» موفقی است و به آب باریکه دانشگاه دل نبسته است. این که استاد با آن که روزنامه‌نگاری را تدریس می‌کند، خودش میانه خوبی با روزنامه‌ها و مجلات ندارد. این که استاد تا به‌حال به هیچ تحریریه‌ای پا نگذاشته و روزنامه‌نگاری را کاری سطحی و غیرعلمی می‌داند. این که استاد هیچ روزنامه‌ای را نمی‌خواند و به روزنامه‌نخوان بودنش افتخار می‌کند. این که از نظر استاد، دانشگاه یعنی جایی که در آن سر و کله دانش، فقط گاهی پیدا می‌شود.

او با فضای مجازی اینترنت هم قهر بود و معتقد بود دانشجویانی که دنبال گشت و گذار در شبکه‌های اجتماعی هستند فقط دارند وقتشان را تلف می‌کنند.

این دو موردی که اشاره کردم جزو استثناهای جامعه دانشگاهی هستند. اگر بخواهیم حق مطلب را ادا کنیم باید اشاره‌ای داشته باشیم به خیل فراوان اساتیدی که تسلطشان در امر تدریس زبانزد است و عمرشان را صرف آموختن و آموزاندن کرده‌اند. خوشبختانه جریان غالب را اساتیدی تشکیل می‌دهند که عاشق حرفه‌شان هستند و تلاش می‌کنند دانشجویان را از تجربه و دانش‌شان بهره‌مند سازند.

بارها دیده‌ایم که اساتید دانشگاهی از بی‌انگیزه بودن دانشجوها گلایه کرده‌اند. اساتید می‌گویند دانشجویان پشتوانه علمی ضعیفی دارند و سر کلاس هم علاقه‌ای به فراگیری نکات جدید نشان نمی‌دهند. فکر می‌کنم بد نباشد یک بار هم مساله را از نگاه دانشجویان بررسی کنیم. دانشجویان هم در این حوزه حرف‌های زیادی برای گفتن دارند. اما چون تریبونی برای بیان ندارند، حرف‌هایشان ناگفته مانده است.

چهره روز

موسیقی خراسان در سوگ

سیدحمیدرضا حسینی / جام‌جم

هفته‌ای که گذشت، موسیقی خراسان ۲ هنرمند بزرگ خود را از دست داد. استاد غلامعلی نی‌نواز، سرنانواز برجسته خراسانی در سانحه رانندگی جان باخت و استاد علی آبچوری، یگانه نغمه‌پرداز شمال خراسان درگذشت.

نام‌آورانی که یکی پس از دیگری هجرت کردند و گویی هریک فراق و دوری دیگری را تحمل نتوانست و به اشتیاق دیدار دوباره‌اش به سرای باقی شتافت.

استاد غلامعلی نی‌نواز از اهالی تایباد و تربت‌جام، نوازنده بی‌همتای ساز سرنا یا سورنای بود که جهان او را با لقب لویی یا لولی می‌شناخت. در سبک نوازندگی‌اش همین بس که او پس از چهار یا پنج دقیقه نوازندگی گویی به خواب فرومی‌رفت و تا ۵ ساعت بی‌وقفه سرنا می‌نواخت؛ نوایی که فراز و فرود نغمه‌هایش همچون جست و خیز پرندگان در گندمزارها، پیام زندگی داشت.

آخرین باری که او را دیدم برای ضبط نوای سازش، همراه برادرش جمعه نی‌نواز به استودیو رضوان صدا و سیمای خراسان آمده بود. به رسم صدابرداران شروع به ضبط قطعه به قطعه سرنا و دهل کردم. اما گویی استاد در ظرف کوچک این دقایق نمی‌گنجید و گفت: من همه مقام‌ها و ملودی‌های محلی را یکپارچه و درهم‌تنیده می‌نوازم و شما همه را ضبط کنید و بعدا هر چقدر که خواستی از خوان این مقام‌ها خوشه بچینید.

سبزپری، اشتر خجو، فراقی، حسینا، مقام‌الله، هزارگی کبک‌زری، جل، سروخرامان، نوایی و ده‌ها مقام دیگر را نواخت و برای ما و نسل‌های آینده به یادگار گذاشت. صدای شیرینی که روح زندگی و نشاط در آن موج می‌زد و هر قطعه از آن مانند چراغی روشن در آثار برجسته موسیقی خراسان می‌درخشد، سالی نگذشت که با استفاده از نوای ساز استاد، سمفونی آیینی خراسان را ساختیم که به مدد هنر او کاری در خور درآمد. آرم و تیتراژ برنامه صبحگاهی رادیو خراسان و آنونس معرفی برنامه‌های سیمای آن شبکه نیز همچنان لهجه شیرین ساز استاد را به یادگار دارند.

اما گویی غم فراق این خنیاگر کویرنشین برای هم‌کیشان او سنگین بود تا جایی که به فاصله چند سحرگاه، استاد بی‌نظیر قوشمه‌نواز علی آبچوری نیز از بلندی‌های شمال خراسان نغمه کوچ را نواخت و در گوشه تنهایی به ردیف رفتگان پیوست.

آبچوری هم یگانه دوران بود و همچون اویی نخواهد آمد؛ نوازنده‌ای که از یک ساز ظریف همچون مداد، صدایی رفیع می‌آفرید.

قوشمه یا دوزله ساز بومی شمال خراسان است که با نوای سحرآمیز کوه‌ها و دره‌های شاه‌جهان و بینالود را به هم پیوند می‌زد. شاید نغمه‌نوازی استاد آبچوری در آلبوم موسیقی شب سکوت کویر، آشناترین آدرس برای شناخت نفس گرم و پنجه هنرمند استاد باشد.

حال که بهار آینده، جشنواره موسیقی نواحی پس از سال‌ها خاموشی، دوباره نوا و آوایش را از سر می‌گیرد، چه‌خوب است تا مسوولان به فکر بزرگداشت این دو هنرمند بزرگ و اجرای برنامه‌های ویژه قوشمه نوازی و سرنا نوازی در آن باشند.

حاشیه خبر

ورزش تغییر ساختار می‌دهد

حجت اله اکبرآبادی / دبیر گروه ورزش

در شرایطی که مصوبه مجلس شورای اسلامی در زمینه تشکیل وزارت ورزش و جوانان، روی میز شورای نگهبان برای تایید نهایی است، از قرائن و شواهد چنین بر می‌آید که اعضای این شورا بر نظر مجلس صحه خواهند گذاشت.

هر چند علی سعیدلو، رئیس سازمان تربیت بدنی تلاش زیادی کرد تا در وهله نخست این طرح در مجلس شورای اسلامی رای نیاورد و در مرحله بعد نیز کوشید با همراهی عده‌ای از نمایندگان و بویژه با نظر صریح رئیس جمهور در مخالفت با طرح تشکیل وزارت ورزش و جوانان، روی نظر نهایی شورای نگهبان تاثیرگذار شوند، اما منابع نزدیک به سعیدلو امروز از این مساله خبر می‌دهند که رئیس ورزش، از تلاش‌های خود ناامید شده و به نوعی با تشکیل وزارت ورزش و جوانان کنار آمده است. اصولا در این که این طرح تایید می‌شود، جای شک و شبهه‌ای وجود ندارد و تنها این بحث مطرح است که شورای نگهبان ممکن است به ادغام سازمان ملی جوانان با سازمان ورزش ایراد بگیرد؛ موضوعی که البته کمیسیون فرهنگی مجلس نیز از ابتدا بر این نظر بوده است که وزارت ورزش به تنهایی و بدون ادغام با سازمان ملی جوانان تشکیل شود. بنابراین آنچه از موضع گیری‌های چندروز گذشته محرز به نظر می‌رسد این که نمایندگان با دلایل متقن و کافی بر اجرای مصوبه مجلس تاکید دارند و حتی در صورت مخالفت شورای نگهبان نیز مصوبه را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع خواهند داد.

امیدوار رضایی از اعضای هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی و رئیس فراکسیون ورزش با اشاره به این که هنوز شورای نگهبان نظر خود را راجع به طرح وزارت ورزش و جوانان به مجلس ارائه نکرده است، احتمال داد که این شورا نظر خود را طی امروز (پنجشنبه) یا اوایل هفته آینده اعلام کند.

وی با تایید این که تعدادی از نمایندگان برای رفع ابهام مالی این طرح به شورای نگهبان رفته‌اند، گفت: برخی دوستانی که در این زمینه مخالف بودند، راجع به بار مالی آن صحبت‌هایی با اعضای شورای نگهبان داشته و دوستانی هم به عنوان موافق این طرح بحث‌هایی کرده‌اند.

رضایی که به دلیل ریاست فراکسیون ورزش، روابط خوب و تعریف شده‌ای با مسوولان سازمان تربیت بدنی دارد، در مورد پیش‌بینی‌اش از مصوبه مجلس درباره تشکیل وزارت ورزش و جوانان، افزود: تصور می‌شود شورای نگهبان تا حدودی با نظر مثبت به این قضیه نگاه کند.

با تشکیل وزارت ورزش و جوانان، ورزش ایران باید به‌نوعی تغییر ساختار داده و باز تعریفی دوباره از مناسبات موجود بین حوزه ستادی و بخش‌های اجرایی مثل فدراسیون‌ها ارائه دهد. بدیهی است با تشکیل این وزارتخانه، فدراسیون‌ها از نظر فعالیت در حوزه نهادهای غیر دولتی، باید مستقیما به زیر مجموعه کمیته ملی المپیک اضافه شوند. بحثی که از دیر باز نیز در ورزش ایران مطرح بوده و به اعتقاد خیلی‌ها، بهتر این است که فدراسیون‌ها به دلیل نوع کارکرد قهرمانی‌شان، زیر نظر کمیته ملی المپیک قرار گرفته و فعالیت‌هایشان را در راه حضور در مسابقات جهانی و بازی‌های آسیایی و المپیک، سازماندهی کنند.

رضا رفیع **بزن در رو**

» rz.rafie@gmail.com

گداها و مجازات جریمه نقدی

گدایی هم از آن گونه مشاغل شدیدا کاذبی است که به کمک دولت و ملت باید به صورت هدفمند برطرف گردد. از ما نیز جز دعا کاری برنمی‌آید؛ چون فعلا آخر برج است و آه در بساطمان نیست که با ناله سودا کنیم. مگر شرایط یادهد که از دوستان دستی بگیریم. و گرنه همین طور الکی، خودمان را دستی دستی شرمنده این و آن نمی‌کنیم. ای بسا که خودشان نیز در فکر دستی گرفتن از این و آن (یا فوقش آن و این) باشند.

بیت سردستی:

ای که دستت می‌رسد، دستی بده
گرچه که دستی گرفتن هم بده!

بله، عرض می‌کردیم که گدایی از جمله کارهای نازیبا در سطح شهر است که باید جلوی آن گرفته شود و البته بارها هم گرفته شده و کرارا متکدیان معتاد به گدایی توسط عوامل زحمتکش شهرداری و ابواب‌جمعی آن بشدت جمع‌آوری شدند. اما این که الان باز دوباره می‌خواهند جمع‌آوری شوند؛ دو علت بیشتر نمی‌تواند داشته باشد:

۱ـ گداهای قبلی که با موفقیت جمع‌آوری شدند، بعد از مدتی با موفقیت ول شدند. ۲ـ گداهای جمع‌آوری شده قبلی اکیدا ول نشدند، بلکه گدایان جدیدی تولید شدند که آنها هم باید با موفقیت جمع‌آوری شوند.

بسیاری از متکدیان منطق عجیبی برای کار خود دارند. آنها معتقدند که باید گدایی کنند تا محتاج خلق الله نشوند. چرا که «آنچه شیران را کند روبه مزاج/احتیاج است احتیاج است احتیاج». بله، ما هم قبول داریم و پدر احتیاج بسوزد؛ اما این دلیل نمی‌شود که هر کسی دچار احتیاج شد، دست به تکدی گری بزند. طوری که حتی اگر به محبت هم نیاز دارد، آن را گدایی کند. چنان که اسنادش هم از سوابق ایام موجود است. طرف خودش را به سگ تشبیه کرده که جلوی گدایی رقیب عشقی‌اش را بگیرد. فلذا گفته است: «همه شب نهاده‌ام سر چو سگان بر آستانت/[که چی؟....]/که رقیب در نیاید به بهانه گدایی»!....شما را به خدا می‌بینید؟

جریمه متکدیان: خوشحالیم به استحضار برسانیم که شدت قاطعیت برخورد با متکدیان به جریمه کردن آنها کشیده است و معاون اجتماعی سازمان رفاه و مشارکت اجتماعی شهرداری تهران از آغاز فاز دوم جمع‌آوری متکدیان در اسفند امسال خبر داده و گفته که در فاز اول حدود ۵۰۰ متکدی در مراکز شبانه‌روزی یا بازپروری جا داده شده‌اند. آقای رضا جاگیری، افزوده است که از حالا (یعنی همین اسفندماه) برای متکدیان جمع‌آوری شده جدید، حکم قضایی صادر شده و جریمه‌هایی در نظر گرفته می‌شود.

بسته پیشنهادی: جمع‌آوری متکدیان و اسکان دادن ایشان، کار بسیار خداپسندانه‌ای است که باید به مسؤولان اجرای آن خسته نباشید عرض کنیم؛ اما ذکر دو نکته بی ضرر نیست:

اول: چون اولتیماتوم داده شده که سری جدید گدایان در اسفند امسال جمع‌آوری می‌شوند، پس باید مراقب بود که با فرصت طلبی، تا اسفند ماه دست به اضافه کاری نزنند. از فرداست که عده‌ای تا اطلاع ثانوی، تبدیل به متکدیان شبانه‌روزی شوند.

دوم: اگر قرار است در این دوره حساس هدفمند کردن و حذف یارانه ها، به متکدیان جمع‌آوری شده، جریمه هم تعلق بگیرد؛ خدا و کیلی به اندازه‌ای باشد که اگر احیانا ول شدند و دوباره دست به عمل گدایی زدند، خیلی روی قیمت‌های خود نکشند. طوری نشود که مثلا یک گدایی جلو ما را بگیرد که:

ـ شب جمعه است؛ لطفا در راه خدا یک چک پول به من بینوا کمک کنید!

ابوالقاسم حسینجانی **نقطه**

زبان جهانی

آری ... با چشم هم می‌شود شنید.

اتفاقا، با چشم‌ها ـ زودتر و روشن‌تر ـ از گوش‌ها می‌شود شنید؛ و آدمی‌زادگان، آن چیزهایی را که با چشم‌ها ـ عینا ـ می‌بینند، زودتر دریافت می‌کنند؛ تا با گوش‌ها ...

و روزگار ظهور، زیباترین و خوش‌ترین روزگاری‌ست که انسان و جهان، می‌توانند به خویشتن دید.

روزگار ظهور، باران یکدست و یکنواخت و یکپارچه‌ای‌ست که بین بزرگ و کوچک، هیچ فرقی نخواهد نهاد.

روزگار ظهور، یک «زمان جهانی»ست. روزگار ظهور، یک «زبان جهانی»ست ...

روزگار ظهور، «فصل پنجم» عمر و عصر انسان، در جهان و دنیاست:

فصلی، که شبیه هیچ فصلی نیست / فصلی صادقانه و، صمیمانه و، نوبرانه / فصل پنجم / فصل ظهور...

ظهور کسی که مثل هیچ کس نیست؛ در فصلی که شبیه هیچ فصل نیست!...

***

انتظار، زندگی ماست. انتظار، همه وجود من‌ست؛ انتظار، همه وجود شماست؛ و زبان و ادبیات انتظار، آهنگ اقتدار و استواری و امید و پایداری انسان، و جهانی‌ست که درآنیم.

انتظار، آینده فراگیر انسان و جهان‌ست. انتظار، مال هیچ کس نیست؛ مال همه‌ست؛ و آینده جهان، به آنانی بیشتر می‌رسد، که خود ـ خویشتن ـ به شایستگی و صلاحیت بیشتری رسیده باشند: ان الارض یرثها عبادی الصالحون [سوره انبیا/آیه ۱۰۵]

این سرزمین «زمین»، به آنانی بیشتر خواهد رسید، که صلح و صلاح و صلاحیت ریشه‌دارتری داشته باشند! یک انسان منتظر، سرشار از شادابی، نشاط، سرزندگی و تازگی و تناوری‌ست.

کسی که منتظر است، همه اوقاتش، بخوبی و خوش‌آیینی می‌گذرد.

کسی که منتظر است، کارها را، به امید دیگران، رها نمی‌کند.

وقتی که برکت‌های بهاری، در آب و هوای تازه امید و اشتیاق ظهور، دستان مهربانی و عاطفه خویش را، بر سر خاک می‌کشد ـ دیگر، هیچ جایی نمی‌ماند که سبز نروییده باشد!... از دست هیچ کس، به تنهایی، کاری ساخته نیست. این خاک، «خانه‌تکانی» می‌خواهد... یا علی!